

موضوع: حقیقت صلوات بر پیامبر (ص)

محقق: راضیه ایلخانی*

* پایه پنجم، مدرسه علمیه فاطمیه بردسیر

چکیده

خداوند در آخرین کتاب فرستاده بر پیامبر پایانی اش، بر فرستاده بزرگ خود درود می فرستد و از پیروانش می خواهد بر او درود فرستند و تحیت گویند، که اشاره به حقیقتی راز آلود دارد. با تدبیر و تأملی شایسته، می توان به بخشی از گستره این حقیقت مکتوم دست یافت، و ابعاد محدودی از آن را کشف نمود.

حقیقت صلوات و حقیقت آسمانی پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت محور اشارات و رموز این بیان عرشی و سفارش ملکوتی هستند نشأت گرفته از یک حقیقت و منشاء هستند. هر حقیقتی که بر معنای واقعی صلوات دلالت کند، بر محمد و اهل بیت او نیز دلالت می کند. هر چند این حقیقت برای اغلب انسانها هنوز ناشناخته است.

این مقاله در حدّ گشایش بایی برای ورود به بررسی بیش تر و تحلیل عمیق تر و دقیق تر موضوع نگارش یافته که اگر تنها منتج به تأملی دیگر و درنگی بیش تر هم در این باب شود، توانسته است به هدفی که دنبال می کند رسیده یا نزدیک تر گردد. لذا آنچه در این تحقیق مورد بررسی قرار می گیرد حقیقت صلوات بر پیامبر است.

کلید واژگان: صلوات، پیامبر، معنای حقیقی، معنای درونی

مقدمه

در روایات آمده است که صلوات خداوند متعال تطهیر نبی اکرم از نقص و عیب است. خدای متعال به تعبیر قرآن مستمراً صلوات می فرستد چراکه در آیه ۵۶ سوره احزاب «يُصَلُّونَ» فعل مضارع است یعنی دلالت بر دوام دارد؛ (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۲) خداوند و ملائکه مستمراً بر وجود نبی اکرم صلوات می فرستند؛ صلوات خدا این است که مستمراً پیامبر را از نقائص و عیب ها تطهیر می کند؛ ایشان از جهت درونی هیچ عیب و نقصی ندارند، با صلوات خدا دائماً بر کمال و جمال حضرت افزوده می شود؛ این صلوات خدا است. اما صلوات ملائکه الهی هم درخواست رحمت خدا برای وجود مقدس نبی اکرم است.

اما صلوات ما در روایات چند نوع تعبیر شده است. در بعضی روایات صلوات ما عبارت است از: درخواست رحمت برای نبی اکرم؛ ما از خدای متعال درخواست می کنیم که رحمتش را بر نبی اکرم و اهل بیتش نازل کند. در بعضی روایات آمده است صلوات ما تجدید عهد عالم میثاق است؛ ما قبل از اینکه در این دنیا بیاییم در عالم دیگری بوده ایم، ممکن است یادمان رفته باشد، ما دوره طفولیت و شیرخوارگی خود را بیاد نداریم ولی این به آن معنا نیست که ما طفل نبودیم. ما در عالمی بوده ایم عهد و میثاقی با خدا، نبی اکرم و اهل بیت بسته ایم؛ عهد ما با خدا این بوده است که خدا را بندگی کنیم و شیطان را نپرستیم. «أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ اغْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (یس/۶۰ و ۶۱) عهدی که با نبی اکرم و اهل بیت داشته ایم این بوده است که از آنها تبعیت کنیم و تحت ولایت آنها باشیم؛ همان عهدی که در دعای عهد هر روز با امام زمان تجدید می کنیم «اللَّهُمَّ إِنِّي أَجِدُّ لَكَ فِي صَبِيحَةِ يَوْمِي هَذَا وَ مَا عِشْتُ مِنْ أَيَّامِي غَهْدًا وَ عَقْدًا وَ بَيْعَةً لَكَ فِي عُنُقِي» عهدی که ما با امام زمان بسته ایم این است که چشم، گوش، زبان، قلب و همه قوای ما در خدمت و دنباله رو حضرت باشد با حضرت و تابع ایشان باشد.

این عهدی دو طرفه است؛ وقتی ما با خدا عهد بسته ایم که بنده خدا باشیم، خدای متعال هم با ما عهد بسته که در حق ما خدایی کند و ما را سیر دهد؛ این یعنی «اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ» (بقره/۲۵۷) بنابراین عهد ما با خدا عهد بندگی است. عهد خدا با ما نیز این است که اگر ما بندگی کردیم او سرپرستی ما را به عهده گیرد، ما را از ظلمات به سمت نور سیر دهد؛ آنهایی که بندگی می کنند سیرشان در وادی نور است.

این بندگی مستلزم انجام برخی امور از جمله قبول ولایت پیامبر اکرم و اهل بین عصمت و طهارت است. احترام به آنها نیز جمله اعمالی است که نشان می دهد ما ولایت آنها را قبول کردیم. در راس همه اعمالی که می توان با آنها احترام خود را به پیامبر و اهل بیت نشان داد، فرستادن صلوات است. اما اینکه حقیقت صلوات چیست و چرا فرستادن آن بر پیامبر و اهل بیت واجب شده است، موضوعی است که پرسش اصلی این تحقیق است.

براساس روایاتی که شیعه و سنی به طور گسترده، به نقل آن پرداخته اند، کیفیت و چگونگی صلوات بر آن حضرت به دست می آید. ابو حمزه ثمالی از کعب بن عجره حدیث می کند، آنگاه که آیه صلوات بر پیامبر نازل شد، گفتیم: یا رسول الله ما می دانیم که چگونه بر شما سلام دهیم اما کیفیت صلوات بر شما چگونه است. حضرت فرمودند که بگویید: «اللهم صل علی محمد و علی آل محمد کما صلیت علی آل ابراهیم انک حمید مجید اللهم بارک علی محمد و علی آل محمد کما بارکت علی آل ابراهیم انک حمید مجید.» (بن حماد العباد، بی تا: ۱۳۰)

برجستگی «آل پیامبر» در این حدیث و حضور قطعی ایشان در کنار پیامبر (ص) به هنگام درود بر آن حضرت نشان از رفعت مقام آنان و حضور دائمی عترت در کنار سنت پیامبر (ص) دارد. در اهمیت این حضور باید گفت، پیامبر صلواتی را که شامل آل و خاندان آن حضرت نباشد نکوهش کرده و از آن به صلوات «ابتر و ناقص» یاد کرده است.

به عنوان مثال، ابن حجر هیثمی که از بزرگان اهل سنت است، روایت کرده که پیغمبر فرمود: «بر من درود ناتمام نفرستید.» گفتند: درود ناتمام چیست؟ فرمود: اینکه بگویید اللهم صل علی محمد بگویید اللهم صل علی محمد و آل محمد در تفسیر «الدر المنثور، سیوطی هجده حدیث از پیامبر نقل شده که بر اساس آن «آل محمد» را به هنگام صلوات باید ذکر کرد.» در روایتی دیگر، قبولی نماز مشروط به صلوات بر پیامبر و خاندان او معرفی شده و آمده است: «هر کس نماز بگذارد و در آن بر من و اهل بیت صلوات نفرستد، نمازش قبول نیست.» (سیوطی، ۱۴۰۴: ۲۰۴)

در اینکه منظور از صلوات خداوند بر حضرت پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) چیست، لازم به ذکر است که: انسان به هر اندازه که صلوات می فرستد، نوری از انوار حضرت پیامبر اسلام (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ)، بر وجود او می تابد. حضرت امام هادی (عَلَيْهِ السَّلَام) می فرمایند: «خدای عزّ و جلّ حضرت ابراهیم (عَلَيْهِ السَّلَام) را برای این جهت خلیل خود گردانید که بسیار صلوات بر محمد و آل محمد (صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ) می فرستاد.» اما برای اینکه بتوان حقیقت صلوات را دریافت چنانکه از روایات استفاده می شود رحمت خاص الخاص پروردگار است. (مجلسی، ۱۴۱۵: ۳۲)

اما نکته ای که به نظر می رسد تا کنون آنچنان که باید از نظر محققان دور مانده است، بررسی معنی واقعی و حقیقی صلوات است. هنوز معنای واقعی و آنچه که منظور خداوند از صلوات است، در اذهان نقش نبسته است. از همین لحاظ است که امکان دارد در فرستادن صلوات و دریافت اثرات مثبت آن در زندگی روزمره کوتاهی می کنیم.

با توجه به موارد مطرح شده بالاخره باید گفت، مهمترین هدف این تحقیق بررسی معنای واقعی و حقیقی صلوات است.

در این تحقیق به حقیقت صلوات بیشتر خواهیم پرداخت.

۱- مفهوم‌شناسی

۱-۱- معنی لغوی صلوات

بیشتر اهل لغت گفته‌اند: «صلوات» و «صلوات» که جمع آن است، به معنی دعا، تبریک و تمجید است: «صَلَّيْتُ عَلَيْهِ»؛ یعنی بر او دعا کردم و او را تزکیه نمودم. باز آمده است که صلوات، هرگاه به خدا نسبت داده شود، به معنی فرستادن رحمت است و هر گاه به فرشتگان و مؤمنان نسبت داده شود، به معنی طلب رحمت است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۹۰)

۱-۲- صلوات در اصطلاح مفسران و محدثان اسلامی:

صلوات در اصطلاح اهل حدیث، این‌گونه بیان می‌شود: خداوند و فرشتگان او بر پیامبر درود می‌فرستند، ای کسانی که ایمان آورده‌اید! شما (نیز) بر او درود فرستید و به او سلام کنید سلامی همراه با تسلیم. (الوسی، ۱۴۱۵: ۲۱۵) در بیان تفاوت بین «صَلَّوْا» و «سَلِّمُوا» آمده است که «صَلَّوْا» امر به طلب رحمت و درود فرستادن بر پیامبر است، اما «سَلِّمُوا» یا به معنی تسلیم در برابر فرمان‌های پیامبر گرامی (ص) است؛ چنان‌که آیه ۶۵ سوره نساء به آن اشاره می‌کند یا به معنی سلام فرستادن بر پیامبر (ص) است. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۱۷)

صلوات یعنی خشوع؛ تواضعی که انسان با آن حقیقت ولایت در او جاری می‌شود. «جَعَلَ صَلَواتَنَا عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَایتِكُمْ» وقتی انسان صلوات می‌فرستد خشوع و تواضع می‌کند پیامبر را از هر عیبی پاک می‌داند اقرار و تجدید عهد می‌کند؛ نتیجه آن این است که ابواب قلب انسان باز می‌شود ولایت نبی اکرم در قلب او می‌آید. ورود ولایت به قلب انسان یعنی طهارت او. (مجلسی، ۱۴۱۹: ۳۲۰)

امام باقر علیه السلام در حدیث مفصلی فرمودند: «وَ اللَّهُ نُورُ اللَّهِ الَّذِي أُنْزِلَ وَ هُمْ وَ اللَّهُ نُورُ اللَّهِ فِي السَّمَاوَاتِ وَ فِي الْأَرْضِ ... وَ هُمْ وَ اللَّهُ يُنَوِّرُونَ قُلُوبَ الْمُؤْمِنِينَ» امام نور الله است که در همه کائنات طلوع کرده و الله امام قلب مومن را نورانی می‌کند. اگر انسان مومن شد خورشید طلوع و او را چراغ می‌کند، قلب انسان شبستان می‌شود. (مجلسی، ۱۴۱۹: ۳۲۳)

بنابراین علت اینکه صلوات طهارت می‌آورد این است صلوات یعنی تجدید عهد ولایت و خشوع در برابر نبی اکرم و اقرار به مقامات ایشان. خدای متعال نبی اکرم را تطهیر می‌کند و ما هم اقرار می‌کنیم؛ این اقرار به مقامات نبی اکرم ما را آماده می‌کند؛ اقرار یعنی من قبول دارم ایشان این مقامات را دارند و واجد آنها هستند و من فاقد آنها هستم یعنی تواضع و خشوع. بنظر من صلوات هم اقرار است و هم گدایی. یعنی انسان وقتی می‌گوید شما مبدا خیرات هستید یعنی من را هم مشمول رحمت کنید.

۲- اهمیت صلوات

صلوات شعار رسمی مسلمانان است که هر صبح و شام بارها در بهترین عبادت خویش (نماز) آن را تکرار می‌کنند. صلوات پیوسته خداوند و فرشتگان بر پیامبر و امر تأکیدی به مؤمنان بر تداوم صلوات بر ایشان را تسلیم

رحیمیت خداوند شامل حال مومنین می شود، عنایتهای معنوی و توفیقات خاص از این قبیل هستند.

اما نتایج صلوات که رحمت خیلی خاص خداوند است، برای هر دسته و گروه متفاوت است: به این معنا که برای عموم انسانها، صلوات باعث خروج از تاریکی های جهل و صفات رذیله و ورود به نور علم و حکمت و صفات حمیده می باشد. «هو الذی یصلی علیکم و ملائکته لیخرجکم من الظلمات الی النور». صلوات خدا برای معصومین از پیامبر و آل او باعث ترفیع درجه و مقام و رحمت های خاص خاصی است که من از جزئیات آن مطلع نیستم و برای غیر معصومین آل پیامبر، باعث تزکیه روح و بخشش گناهان ایشان می باشد. (طبری، ۱۴۱۲: ۹۲)

با یک جمع بندی کلی متوجه می شویم که دریافت صلوات الهی منوط به پاکی و طهارت روح هر انسان است. هر اندازه یک فرد پاکتر و مهذب تر باشد و از امتحانات الهی سربلندتر بیرون آمده باشد، بیشتر به صلوات الهی دست می یابد. کسی که به صلوات الهی برسد از حجاب های ظلمانی و نورانی رها گشته و به ملکوت عالم راه می یابد، قلبش مملو از حکمت الهی شده و از تاریکی های زمان غیبت رها می شود. ای کاش ما هم هرچه زودتر پاک و طاهر می شدیم و به نورانیت که نتیجه دریافت صلوات الهی است دست پیدا می کردیم. به امید آن روز.

صلوات در حقیقت ایمان، اقرار و تعظیم مقامات پیغمبر اکرم و معصومین (ع) است. لازمه و معنای این اقرار به فرمایش قرآن کریم تسلیم بودن در برابر پیامبر اکرم ص است. طبق احادیث نورانی اهل بیت ع، خداوند دوست دارد از طریق اولیاء و خلفای خود شناخته و اطاعت شود. لذا تمام موجودات عالم برای نشان دادن عبودیت خود در برابر خداوند باید در برابر پیغمبر اکرم ص تواضع و تعظیم کنند. بر این اساس صلوات و تعظیم پیغمبر اکرم ص طریق سجده بر خداوند است. این مطلب راز امر شدن ملائکه به سجده بر آدم (ع) است که خلیفه و ولی خداوند است. کسی که از صلوات بر پیغمبر اکرم ص سر باز زند در واقع از سجده بر خداوند امتناع کرده است و چنین موجودی حتی اگر هزاران سال عبادت کرده باشد با خروج از حیطه صلوات، رجیم خواهد شد. با این توضیح روشن می شود که صلوات باطن همه عبادات است و توحید هم باطن صلوات و باطن باطن (سر) عبادات است. در باب آثار و برکات صلوات ایشان توضیح می دهند که بر اساس تعالیم قرآن و اهل بیت (ع) از آن جا که توحید منشأ همه خیرات، رحمت، طهارت و تزکیه از پلیدی ها و رسیدن به مقامات و سیر در عالم انوار است مشخص می شود صلوات که طریق عبودیت و توحید است وسیله سیر در عالم انوار و طهارت و تزکیه است. طبق حدیث جنود عقل و جهل تمام صفات حمیده به تبع سجده و تسلیم در برابر خداوند به عقل داده شد، بنا بر این تخلق به صفات حمیده هم منوط به عبودیت در برابر خداست که راه آن تعظیم در برابر مقامات پیغمبر اکرم و صلوات بر محمد و آل محمد است. (طبری، ۱۴۱۲: ۹۸)

اما حقیقت روح چیست؟ امیر المومنین در آن حدیث مفصل فرمود: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى أَحَدٌ وَاحِدٌ تَفَرَّدَ فِي وَحْدَانِيَّتِهِ ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ فَصَارَتْ نُورًا ثُمَّ خَلَقَ مِنْ ذَلِكَ النُّورِ مُحَمَّدًا ص وَ خَلَقَنِي وَ ذُرِّيَّتِي ثُمَّ تَكَلَّمَ بِكَلِمَةٍ فَصَارَتْ رُوحًا فَأَسْكَنَهُ اللَّهُ فِي ذَلِكَ النُّورِ وَ أَسْكَنَهُ فِي أَبْدَانِنَا فَتَحَنُّ رُوحُ اللَّهِ وَ كَلِمَاتُهُ» حضرت وقتی خلقت خودشان را توضیح می دهند، فرمودند که «نحن کلمه الله و روح» سر آغاز خلقت، از اینجا است، کلمه نور

ایجاد شد. محمل کلمه روح، نور ائمه هده معصومین است. بعد فرمود «فنحن کلمه الله و روح» پس حقیقت تعظیم ملائکه که عین عبادت خدای متعال است، تعظیم در مقابل حضرات معصومین و آن خلفای الهی است.

به فرمایش امیرالمومنین خدای متعال بالاتر از فضیلت سجده بر آدم(ع) را برای پیغمبرش قرار داد. ((مجلسی، ۱۴۱۹: ۳۶۰) فضیلت آدم(ع) این است که تعظیم او، طریق پرستش خدای متعال شد و ملائکه از طریق اقرار به عظمت او، به پرستش، تواضع و تذلل در برابر خداوند رسیدند و خیلاء و استکبار در مقابل خدای متعال از آنها برداشته شد؛ اما در باره پیامبر اکرم فرمود: «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» (احزاب، ۵۶) همه ملائکه نه یک بار بلکه مستمراً بر پیامبر اکرم صلوات می فرستند. این صلوات از آن سجده بالاتر است.

حالا این صلوات چیست که از آن سجده بالاتر است؟ این همان است که در آن روایت فرمودند که صلوات حقیقتاً اقرار به عظمت و پاکی و قدس و مقامات معصومین است. ملائکه از طریق این صلوات، این خشوع و اقرار به حقیقت توحید می رسند. یعنی تا این خشوع اتفاق نیفتد، خیلاء و استکبار در مقابل خدای متعال از انسان دور نمی شود. اگر خدای متعال می گفت خودم را سجده کنید، آن کسی هم که استکبار داشت سجده می کرد. لذا شیطان با این که مستکبر بود «أَبَى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ» (بقره، ۳۶) شش هزار سال عبادت کرده بود «وَكَانَ قَدْ عَبَدَ اللَّهَ سِتَّةَ آلَافِ سَنَةٍ لَّا يُدْرَى أَمِنْ سِنِي الدُّنْيَا أَمْ مِنْ سِنِي الْآخِرَةِ» بعد هم در تفسیر برهان ذیل همین آیات سوره مبارکه بقره هست که به خدای متعال عرضه داشت: خودت را هر چه بگویی سجده می کنم. چون استکبار داشت؛ این استکبار با سجده بر خداوند می سازد.

اگر بخواهی استکبار از بین برود، با این سجده از بین می رود. آن هم تازه وقتی می گویند به آدم سجده کن، آن روح را در پوشش جسم گلین قرار می دهند. سجده در مقابل جسم نیست، در مقابل روح است. اشتباه شیطان هم همین بود که «خَلَقْتَنِي مِنْ نَارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ» (اعراف، ۱۲) نمی دانست آن حقیقتی که مسجود است «فَإِذَا نَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُوحِي» است. روح که از طین نیست. روح سر سلسله عالم انوار است ولی او را در پوشش و حجاب قرار می دهند.

پس دقت بکنید امتحان به یک چیز بیشتر نیست، به سجده در مقابل خدای متعال است. امتحان به توحید است ولی امتحان توحید از طریق تعظیم خلیفه الله واقع می شود. این روح خطبه قاصعه حضرت است. تعظیمی که ملائکه در سجده بر آدم کردند، بالاترش را در صلوات بر نبی اکرم می کنند. یعنی صلواتشان تعظیم بیشتری است. «إِنَّ اللَّهَ وَمَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ» ما هم که ایمان آورده ایم «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا» باید تعظیم بکنیم «صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا». پس معلوم شد که این صلوات یعنی تعظیم و این تعظیم، طریق سجده در مقابل خدای متعال است.

این طریقت را باید یک مقدار توضیح بدهم. حضرت امام صادق(ع) در ضمن آن حدیث طولانی به مفضل نوشتند: «تَبَارَكَ اللَّهُ تَعَالَى إِنَّمَا أَحَبَّ أَنْ يُعْرَفَ بِالرَّجَالِ وَأَنْ يُطَاعَ بِطَاعَتِهِمْ فَجَعَلَهُمْ سَبِيلَهُ وَوَجَّهَهُ الَّذِي يُؤْتَى مِنْهُ لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ غَيْرَ ذَلِكَ» خدای متعال این طور خواسته که از طریق رجالی شناخته شود و با طاعت آنها طاعت شود؛ انسانی که سبیل است، آن انسانی که وجه است، خشوع در مقابل او، تبعیت او، تعظیم او،

عین سجده در مقابل خدای متعال است. به این علت است که تعظیم آنها، عبادت خداست. (مجلسی، ۱۴۱۹: ۱۳۰)

باید نسبت بین عبادات و این تعظیم را هم توضیح بدهیم که چرا «باطن نماز، ولایت است»؟ باطن صلوات چیست؟ صلوات ما چیست؟ صلوات خدا بر ما چیست؟ صلوات نبی اکرم بر ما چیست؟ آن صلواتی که ما را پاک کرده یعنی صلواتی که ما می فرستیم یا صلواتی که خدا می فرستد؟ پس فعلاً تا اینجا این را عرض کردیم که صلوات، درک حقیقت عظمت آنها و اقرار به عظمت آنها و تواضع در مقابل عظمت آنها و تعظیم آنها است، که این درک و اقرار، طریق سجده در مقابل خدای متعال است. چرا صلوات مبدأ طهارت جان می شود؟ مبدأ طیب خُلق می شود؟

نتیجه گیری

صلوات شعار رسمی مسلمانان است که هر صبح و شام بارها در بهترین عبادت خویش (نماز) آن را تکرار می کنند. صلوات پیوسته خداوند و فرشتگان بر پیامبر و امر تأکیدی به مؤمنان بر تداوم صلوات بر ایشان را تسلیم بودن در برابر فرمانهای پیامبر(ص) جلوه دیگری از این اهمیت است. «یاایها الذین ءامنوا صلوا علیه و سلموا تسیماً»

حقیقت صلوات و معنای باطنی آن ریشه در حقیقت پیامبر و ائمه اطهار دارد. در واقع این صلوات به واسطه مقام و جایگاه آنهاست که منتسب بدانها شده است و فقط مخصوص و برانزده آنهاست. سر درونی پیامبر و اهل بیت نشأت گرفته از مطلق خوبی ها و آمال انسانهای پرهیزگار است. البته معنای حقیقی و باطنی صلوات برای همگان آشکار نیست و چه بسا تا تعقل و تفکری عمیق در این زمینه نشود به مقصود خود دست نخواهد یافت. لذا مشخص است که شناخت و دستبازی به معنی حقیقی و واقعی صلوات از چه اهمیتی برخوردار است.

حقیقت صلوات و حقیقت آسمانی پیامبر اکرم و اهل بیت عصمت و طهارت محور اشارات و رموز این بیان عرشی و سفارش ملکوتی هستند نشأت گرفته از یک حقیقت و منشاء هستند. هر حقیقتی که بر معنای واقعی صلوات دلالت کند، بر محمد و اهل بیت او نیز دلالت می کند. هر چند این حقیقت برای اغلب انسانها هنوز ناشناخته است.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. آلوسی، سید محمود (۱۴۱۵ق)، روح المعانی، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ترجمه محمد نوری، قم، ال البيت
۳. بن حماد العباد، عبدالمحسن، فضیلت صلوات بر پیامبر (ص)، ترجمه پدرام اندایش، بی تا.
۴. ثقه الاسلام کلینی، (۱۳۸۹ هـ - ق) اصول کافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه
۵. حر عاملی، (۱۴۰۹ ق) وسائل الشیعه، قم، موسسه ال البيت، ۲۹ مجلد
۶. سیوطی، جلال-الدین، (۱۴۰۴) الدر المنثور فی تفسیر المأثور، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی
۷. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۰) المیزان فی تفسیر القرآن؛ ترجمه سید محمد باقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ج ۲.
۸. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر، ۱۴۱۲ق. جامع البیان فی تفسیر القرآن، قم، مدرسه امیرالمومنین ع
۹. علامه مجلسی، محمد تقی (۱۴۱۹ هـ. ق)، بحار الانوار، قم، انتشارات مدرسه امیرالمومنین (ع)
۱۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، تفسیر نمونه، قم، دارالکتب الاسلامیه